

پژوهشی در اعتبارسنجی روایت «معائش عباد» با تکیه بر آرای فقیهان امامی

حمید باقری^۱

چکیده

هرچند بنابر آگاهی‌های موجود کتاب تحف‌العقول از جمله منابع حدیثی متقدم است که به دست علی بن حسن بن شعبه حرّانی - معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) - تألیف شده است، اما نخستین اشاره‌ها به آن در آثار سده‌های دهم و یازدهم هجری دیده می‌شود. نقل حدیث «معائش عباد» از این کتاب در المکاسب شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق) موجب شهرت بیشتر تحف‌العقول در محافل فقهی گردید. فاصله زمانی تدوین کتاب تا نخستین اشاره‌ها به آن از یکسو و نبود طریق متصل تا مؤلف از سوی دیگر در کنار ناشناخته بودن او و فقدان سند روایات کتاب سبب بی‌اعتباری احادیث آن، از جمله حدیث مذکور، نزد برخی فقیهان شده است. در مقابل، برخی فقها شهرت حدیث را جبران‌کننده ضعف سندی آن قلمداد کرده و موافقت محتوای حدیث با قواعد عقلی و نقلی را دلیلی بر اعتبار آن دانسته‌اند. این نوشتار می‌کوشد با طرح و بررسی موافقان و مخالفان اعتبار این حدیث، درباره اعتبار این حدیث و کتاب تحف‌العقول سخن گوید.

کلیدواژه‌ها

روایت «معائش عباد»، اعتبارسنجی، فقیهان امامی، المکاسب، تحف‌العقول

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه تهران - bagheri.h@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۷

مقدمه

«سنت» پس از قرآن کریم - به تصریح خود آیات (برای نمونه نک: النحل ۴۴؛ الأحزاب: ۲۱؛ النجم: ۴۳) - مهم‌ترین منبع و معتبرترین دلیل در تبیین و استنباط علوم و معارف اسلامی اعم از اعتقادات، اخلاقیات و احکام شرعی محسوب می‌شود. دانسته است «سنت» در قالب حدیث حکایت شده و به واسطه ثبت در منابع و جوامع روایی تا به امروز برای ما به یادگار مانده است. متأسفانه احادیث در طول تاریخ دچار آسیب‌هایی گردیدند و به سبب مجموعه‌ای از عوامل که در تاریخ حدیث اتفاق افتاد، با ناخالصی‌هایی آمیخته شدند، شماری از روایات ضعیف یا اخبار ساختگی در این گنجینه‌های گرانبها وارد شد، از این رو جملگی در انتقال سنت در یک پایه از اعتبار نیستند. این امر سبب شده است تا عالمان و محدثان در مواجهه با احادیث در پی اعتبارسنجی آنها برآیند و از زوایای مختلف وثاقت و اعتبار آنها را بسنجند.

از جمله احادیثی که اعتبار آن میان فقیهان امامی محل گفتگوست روایتی است که با عنوان «معائش عباد» شناخته می‌شود. اهمیت این حدیث از آن روست که اولاً تنها روایت مفصلی است که به تبیین ضوابط معاملات پرداخته است و ثانیاً استخراج قواعد فقهی متعددی با استناد به آن ممکن است، تا آنجا که برخی فقیهان ۱۲ قاعده فقهی از آن به دست آورده‌اند. از این رو شیخ انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) آن را در آغاز المکاسب خود در پیشانی ۴ حدیث مربوط به این مبحث آورده است: ۱. حدیث تحف العقول؛ ۲. حدیث کتاب فقه الرضا؛ ۳. حدیث کتاب دعائم الاسلام و ۴. حدیث مشهور نبوی (ص؛ انصاری، ۱: ۵-۱۳). هرچند شیخ انصاری تصریح دارد که این روایات را از باب «تیمن» نقل کرده است، اما ادامه عبارت وی بر تکیه او بر آنها در قاعده سازی در برخی مباحث مرتبط با مکاسب اشاره دارد: «و ینبغی - أولاً - التیمن بذكر بعض الأخبار الواردة علی سبیل الضابطة للمکاسب، من حیث الحل والحرمة» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۵).

اولین و بلندترین این چهار حدیث، همانطور که از عنوان آن پیداست روایتی است که ابو محمد حسن بن شعبه حرّانی در کتاب تحف العقول از امام صادق (ع) آورده است. در متن حدیث، از آن حضرت در خصوص «معائش عباد» (اموری که مردم با آن امرار معاش می‌کنند) سؤال شده است. حضرت در پاسخ به این پرسش، «معائش عباد» را در چهار بخش (ولایت و حکومت)، «تجارت (خرید و فروش)»، «صناعت (شغل و حرفه)» و «اجاره»

عنوان کرده و ذیل هر یک قواعد و ضابطه‌هایی را در خصوص مصادیق حلیت و حرمت هر یک از آن عناوین مطرح نموده است (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۳۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۵-۱۲). میان فقیهان امامی درباره اعتبار این روایت مناقشات سختی با دو رویکرد کاملاً متناقض وجود دارد؛ گروهی اعتبار آن را پذیرفته و برخی با اعتبار آن مخالفت کرده‌اند. این نوشتار تلاش دارد تا با نگاهی به فقیهان هر دو طیف، به تحلیل و بررسی دلایل هر یک بپردازد. ظاهراً کتاب تحف العقول ابن شعبه حرّانی قدیمترین منبعی است که این حدیث را نقل کرده، کتابی که مسائل پیرامون آن در اعتبارسنجی این حدیث بی‌تأثیر نیست. از این رو ضروری است پیش از اشاره و بررسی آرای فقیهان درباره اعتبار حدیث «معائش عباد» نگاهی به کتاب تحف العقول بیاندازیم.

۱. درباره تحف العقول و مؤلف آن

از جمله کتاب‌های روایی که در دوره صفویه کشف و از آن زمان مورد توجه عالمان امامی قرار گرفته و شهرت یافته کتاب تحف العقول فیما جاء من الحکم و المواعظ من آل الرسول است. مؤلف این اثر، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی است. اطلاعات اندکی درباره وی دانسته است؛ نه تنها در هیچ یک از آثار رجالی و شرح‌حالی کهن امامی نشانی از نام وی دیده نمی‌شود، بلکه نامش در سند و طریق هیچ یک از کتب روایی و اجازات نیز نیامده است.^۲ بر این اساس از تاریخ ولادت و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست.^۳ اطلاعات اندک درباره ابن شعبه حرّانی سبب شده است تا عالم متبّع و برجسته معاصر، محدث نوری درباره وی چنین اظهار نظر کند: «من تاکنون طبقه صاحب تحف العقول را به دست نیاورده‌ام» (نوری طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۸۷).

۲. گفتنی است که در سند دو حدیث که محمد بن جریر طبری شیعی در کتاب دلائل الإمامة (۲۹۶-۲۹۷: ح ۲۵۲، ۳۷۲: ح ۳۳۱) روایت کرده نام «الحسن بن علی الحرّانی» دیده می‌شود («أخبرني أبو الحسين محمد بن هارون، عن أبيه، قال: حدّثني أبو عليّ محمد بن همام قال: حدّثني أحمد بن الحسين المعروف بابن أبي القاسم، قال: حدّثني أبي، عن الحسن بن عليّ الحرّاني، عن محمد بن حمران، عن داود بن كثير الرّقي،...»)، که به دلیل اختلاف زمانی بی‌تردید شخصی جز حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی است.

۳. هرچند، نمازی شاهرودی بدون ارائه مدرک و شاهدهی، تاریخ وفات وی را حدود ۳۲۳ق گزارش کرده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲ق، ۸: ۴۹۶).

ظاهراً نخستین عالمی که از ابن شعبه حَرّانی نام برده شیخ ابراهیم قَظیفی - عالم شناخته شده امامی و معاصر محقق کرکی (م ۹۴۰ق) - است که در اثر خود الوافیة فی الفرقة الناجية - نگاشته در سال ۹۴۵ق - از او یاد کرده و کتاب المتحیص فی ابتلاء المؤمن را به وی نسبت داده است (قَظیفی، بی تا، ۱۷۰).

پس از دستیابی عالمان شیعه همچون شیخ حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) و علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در عصر صفوی به کتاب تحف العقول، نام ابن شعبه حَرّانی و اثرش شهرت فراوانی در سنت علمی امامیه یافت تا آنجا که این دو عالم حدیث شناس برجسته شیعی با پذیرش انتساب کتاب تحف العقول به وی، از آن در زمره منابع حدیثی خود در نقل احادیث بهره‌های بسیاری جستند (حرعاملی، بی تا، ۳۰: ۱۲۵، ۱۵۶؛ همو، ۲: ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۰، ۲۹). از آن زمان به این سو، ابن شعبه حَرّانی در میان عالمان امامی شهرت یافت، به گونه‌ای که همه شرح حال نگاران متأخر، او را در زمره عالمان ثقه و مورد اعتماد امامی قرن چهارم و معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) و از استادان شیخ مفید (م ۴۱۳ق) معرفی کرده‌اند (حرعاملی، بی تا، ۲: ۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۰، ۲۹؛ بحرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۶؛ افندی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۲۴۴؛ خوانساری، ۱۳۹۰ق، ۲: ۲۸۹؛ امین، بی تا، ۵: ۱۸۵-۱۸۶؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۴۰۰؛ همو، ۱: ۹۳). هر چند سید محسن امین بر این باور است که با وجود روایت شیخ مفید از ابن شعبه، اما دلیلی بر اینکه وی از مشایخ مفید بوده وجود ندارد (امین، بی تا، ۵: ۱۸۵). در میان استادان روایت ابن شعبه تنها به ابوعلی محمد بن ابی بکر هَمّام بن سهیل اسکافی (۲۵۸-۳۳۶ق)^۴ اشاره شده است (صدر، ۱۴۲۷ق، ۴۱۴؛ امین، بی تا، ۵: ۱۸۵؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۴۰۰؛ همو، ۱: ۹۳)، که بنا بر یک نقل اجازه‌ای نیز از او داشته است (دوانی، ۱۳۸۶، ۳: ۴۶). در لابلای شرح حال ابن شعبه حَرّانی، به شواهدی اشاره شده است که بر حیات او در سده چهارم هجری و در پیوند با عالمان امامی دلالت دارند. شاهد نخست، حدیثی است که مؤلف کتاب الإختصاص روایت کرده (مفید، ۱۴۱۴ق، ۹۱-۹۶) که به باور برخی، منبع وی در این نقل کتاب تحف العقول بوده است.^۵ استناد به شاهد اخیر برای تأیید دیدگاه

۴. وی محمد بن ابی بکر هَمّام بن سهیل کاتب اسکافی است که نجاشی و شیخ طوسی او را از بزرگان متقدمان امامی - که منزلت والایی در میان ایشان داشته - معرفی کرده‌اند. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۷۹، ش ۱۰۳۲؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۳۸، ش ۶۲۷۰؛ همو، ۴۰۲).

۵. برای این روایت در تحف العقول نک: حَرّانی، ۱۹۶۹م، ۴۷۶-۴۸۱. بنا بر یک نظر، منبع شیخ مفید در نقل

مذکور زمانی درست است که مؤلف کتاب الإختصاص عالم مشهور امامی محمد بن محمد بن نَعْمَان مشهور به شیخ مفید (م ۴۱۳ق) دانسته شود. چنین به نظر می‌رسد که گذشته از محتوای این دو کتاب به ویژه تحف العقول، روایت‌گری شیخ مفید از ابن شعبه از جمله دلایل کسانی است که وی را توثیق کرده‌اند.^۶

شاهد دیگر در این باره، نخستین حدیث کتاب التمهیص است که از ابن همام روایت شده است: «حدیثی أبو علی محمد بن همام» (اسکافی، بی تا، ۳۰، ح ۱). استناد به این شاهد متوقف بر پذیرش نظری است که کتاب التمهیص را از آن ابن شعبه حَرّانی می‌داند.^۷ با فرض درستی این احتمال، ابن شعبه حَرّانی از شاگردان ابن همام بوده و به نسل عالمان امامی پس از وی تعلق دارد. بنا بر یک نظر، محتوای دو کتاب تحف العقول و التمهیص نیز گواه آشکاری بر تعلق ابن شعبه به مذهب امامیه و وثاقت اوست (معلم، ۱۴۲۳ق، ۱: ۴۸۷-۴۹۱. نیز نک: تمام زمام، ۱۴۳۳ق، ۱۶، ۷۰-۷۱).

در صورت درستی این گزارش‌ها، از میان استادان و شاگردان وی هر کدام تنها یک تن شناخته شده است: از میان مشایخ وی محمد بن همام اسکافی و در زمره شاگردان او شیخ مفید. در اینجا این پرسش در ذهن نقش می‌بندد که چگونه ممکن است عالم و محدّثی در رتبه استادان شیخ مفید در حدود شش قرن ناشناخته باقی مانده باشد.

روایت‌گری شیخ مفید از ابن شعبه حَرّانی از دو جهت مورد تردید است. نخست آنکه به یقین دانسته نیست که منبع مؤلف الإختصاص در نقل این حدیث کتاب تحف العقول بوده باشد. متن این حدیث مشتمل بر پرسش‌های نُه‌گانه‌ای است که یحیی بن اکثم با یکی از فرزندان امام جواد (علیه السلام) به نام موسی مطرح

حدیث غدیر نیز کتاب تحف العقول بوده است. نک: حَرّانی، ۵-۷. نیز نک: Friedman, 2010, 38, note 140. مامقانی نیز به‌طور کلی به نقل شیخ مفید از کتاب تحف العقول ابن شعبه حَرّانی در آثارش اشاره کرده است. (مامقانی، بی تا، ۲۰: ۱۱۲).

۶. علامه مجلسی معتقد است که محتوای کتاب تحف العقول و تنظیم ستودنی احادیث در آن بر رفعت شأن مؤلف آن دلالت دارد. مجلسی، ۱: ۲۹. برای تمام شواهد دال بر وثاقت ابن شعبه حَرّانی و اعتبار کتاب تحف العقول (نک: معلم، ۱۴۲۳ق، ۱: ۴۸۷-۴۹۱).

۷. درباره مؤلف التمهیص میان عالمان اختلاف نظر است. برخی آن را از آن ابن شعبه حَرّانی می‌دانند (برای نمونه نک: قطیفی، ۱۷۰؛ حرعاملی، بی تا، ۲: ۷۴، ش ۱۹۸؛ افندی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۲۴۴-۲۴۶) و گروهی مؤلف آن را ابن همام معرفی می‌کنند (برای نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۷؛ خوانساری، ۱۳۹۰، ۶: ۱۵۱).

کرده و وی نیز پاسخ آنها را از برادرش امام هادی (علیه السلام) پرسش کرده است (حَرَانی، ۱۹۶۹م، ۴۷۶-۴۸۱؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ۹۱-۹۶). اختلافاتی میان نقل الإختصاص و تحریر تحف العقول از متن این حدیث وجود دارد. این اختلافات به گونه ای است که احتمال اخذ اولی از دیگری را مخدوش می نماید. نخستین اختلاف در چگونگی طرح این سؤالات از سوی ابن اَکثم است. بنا بر نقل الإختصاص، ابن اَکثم آنها را به شکل مکتوب برای موسی بن محمد الجواد ارسال کرده است، حال آنکه در تحریر تحف العقول ابن اَکثم پرسش ها را در ملاقاتی که با موسی در دار العامة داشته با او در میان گذاشته است. تفاوت دوم، اشاره تحریر الإختصاص به شمار پرسش های ابن اَکثم است که با تردید نُه یا ده سؤال گزارش شده («کتب إلیّ یحیی بن اَکثم یسألنی عن عشر مسائل أو تسعة، فدخلتُ علیّ أخی...»)، اما در نسخه تحف العقول به عدد خاصی اشاره نشده است («لقیْتُ یحیی بن اَکثم فی دار العامة، فسألنی عن مسائل، فجئتُ إلیّ أخی...»). اختلاف دیگر اشاره به موعظه امام هادی (علیه السلام) به برادرش در نقل تحف العقول است که در متن الإختصاص هیچ اشاره ای به این مطلب نشده است. چگونگی توالی پرسش ها نیز تفاوت دیگر میان نقل های این دو کتاب از این حدیث است. در تحریر الإختصاص مسأله سخن امام علی (علیه السلام) به ابن جرّموز^۸ بر پرسش از علت جهر قرائت در نماز صبح مقدّم شده است در حالیکه در نسخه تحف العقول این پرسش ها برعکس طرح شده اند. احتمال اینکه مؤلف کتاب الإختصاص تحریر تحف العقول را به شکل نقل به معنا روایت کرده باشد نیز به سبب نقل از منبع مکتوب دور از ذهن است، چنانکه وقوع چنین عملی از سوی شیخ مفید - مؤلف ادعایی کتاب الإختصاص - بعیدتر می نماید.

نظر به وجود این اختلافات، اگر نگوئیم محتمل تر آن است که مؤلف الإختصاص این حدیث را از منبعی جز تحف العقول گرفته است، اما چنین احتمالی هرگز منتفی نیست. با توجه به نقل مُرسل آن از ابوجعفر محمد بن عیسی بن عبید

۸. وی عمرو بن جرّموز است که به گواه منابع تاریخی، زیر بن عوام را پس از ندامت از جنگ جمل به قتل رساند. نک: ابن سعد، بی تا، ۳: ۱۱۰-۱۱۳؛ طبری، ۱۴۰۳ق، ۳: ۵۳۹-۵۴۰. نام وی در برخی منابع، عبدالله، عمیر و عمیره نیز گزارش شده است. برای نمونه نک: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۲: ۵۱۵، ۵۱۶؛

بن یقطین، احتمال می‌رود از یکی از کتاب‌های وی اخذ شده باشد.^۹ تردید پراهمیت‌تر دیگر، تشکیک در درستی انتساب کتاب الإختصاص به شیخ مفید است. از آنجا که مطالب کتاب پراکنده است و موضوعات مطرح شده در آن سیر منطقی و منسجمی ندارد درباره انتساب آن به شیخ مفید مباحث فراوانی میان کتاب‌شناسان و محققان درگرفته است؛ برخی به همین دلیل منکر انتساب این کتاب به شیخ مفید شده‌اند.^{۱۰} بدین ترتیب، این مسأله که شیخ مفید از شاگردان ابن شعبه حرّانی بوده امری مشکوک و غیرقطعی است.

برخی عالمان از ابن شعبه حرّانی با نسبت «حلبی» نیز یاد کرده‌اند (نک: خوانساری، ۱۳۹۰، ۲، ص ۲۸۹؛ امین، بی‌تا، ۱: ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۳۸، ۶۵۶، ۶۶۱، ۵: ۱۸۵؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ۳: ۴۰۰؛ اسماعیل پاشا، بی‌تا، ۱: ۲۳۶؛ کحالة، بی‌تا، ۳: ۲۵۲). چنین به نظر می‌رسد که آنچه از نخستین اطلاعات درباره کشف نسخه تحف العقول به دست آمده می‌تواند دلیل این انتساب تلقی شود. ظاهراً علامه مجلسی و شیخ حر عاملی به نسخه‌ای از کتابی تحت عنوان تحف العقول عن آل الرسول دست یافته‌اند که در پشت نسخه آن را به حسن بن علی بن حسین بن شعبه حلبی نسبت داده‌اند (نک: دهشور، ۱۳۸۹، ۲۰۳). شاید دلیل انتساب ابن شعبه حرّانی به شهر حلب آن باشد که خاستگاه وی را از روستایی به نام «حرّان» بدانیم که به گفته یاقوت حموی از توابع شهر حلب بوده است.^{۱۱}

۹. محمد بن عیسی بن عبید از سوی نجاشی، توثیق شده و به کثرت روایت و نیکویی تألیفاتش معرفی شده (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۳۳)، اما شیخ طوسی وی را تضعیف کرده است. تضعیف وی مستند به نظر مکتب حدیثی قم به‌ویژه ابن ولید قمی به محمد بن عیسی بن عبید است. طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۹۱؛ همو، ۴۰۲.

۱۰. در این باره نک: شبیری زنجانی، [الف]: ۲۲۶-۲۷۱؛ همو، [ب]: ۱۹۲-۲۲۵؛ حائری، ۱۴۰۷ق، ۵۱۰/۲. با انتساب به استادش شهید سید محمدباقر صدر. از شیخ آقابزرگ طهرانی می‌توان در زمرة طرفداران نظریه درستی انتساب کتاب به شیخ مفید یاد کرد که آن را عیناً همان کتاب العیون والمحاسن شیخ مفید می‌داند. نک: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۳۵۸-۳۶۰، ش ۱۸۹۰.

۱۱. در منابع جغرافیای جهان اسلام، «حرّان» نام چندین منطقه دانسته شده است. نخست، نام شهری بزرگ و قدیمی در منطقه جزیره عراق. کلودیس پتوله یا بطلمیوس (Ptolemaeus) جغرافی دان، نقشه‌نگار، ریاضی دان قرن دوم میلادی، از «حرّان» به عنوان یکی از شهرهای اقلیم چهارم - شامل بابل و عراق - یاد کرده است. این شهر در ناحیه جزیره در شمال عراق جای داشته که به رومی «هالینوپلس» خوانده میشد (نک: ابن خردادبه، ۷۳). دومین منطقه نامبردار به «حرّان» روستایی در نزدیکی شهر حلب بوده است. علاوه بر این دو، روستایی

البته این احتمال با اطلاعات در دسترس از گسترش تبلیغات حسین بن حمدان خصیبی در شهر حران ناهمگون است.

احتمال دیگری نیز می‌رود که انتساب ابن شعبه به شهر حلب، از خلط میان دو خاندان بنو شعبه حرّانی و آل شعبه حلبی - که از خاندان‌های شناخته شده شیعی در کوفه با راویان مشهوری همچون عبیدالله بن علی بن اُبی شعبه حلبی و برادرش محمد، یحیی بن عمران بن علی بن اُبی شعبه حلبی بودند (برای افراد این خاندان نک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۹۸، ۲۳۰، ۳۲۵، ۴۴۴)^{۱۲} - ناشی شده باشد. اما قطعاً دانسته است که بنو شعبه حرّانی از آل شعبه حلبی متفاوت‌اند. از اینرو، مامقانی بر این مطلب تصریح دارد که ابن شعبه حرّانی از افراد آل شعبه حلبی نیست (مامقانی، بی‌تا، ۲۰: ۱۱۲).

به هر روی، حسن بن علی بن شعبه حرّانی از سوی عالمان و شرح‌حال‌نگاران امامی، یکی از عالمان متقدم امامی در سده چهارم هجری معرفی شده است که هیچ تردیدی در انتساب کتاب تحف العقول به او گزارش نشده است (در این باره نک: حافظیان، ۱۳۸۷: ۸۳۳). او در مقدمه کتاب، هدف خود از تألیف را در دسترس قرار دادن دانش‌های پیامبر اکرم و امامان برشمرده است که در بردارنده کار دین و دنیا و صلاح امروز و فرداست. به گفته وی، هر چند عالمان شیعی درباره حلال و حرام و فرائض و سنن از گفتار ائمه کتاب فراهم کرده‌اند اما درباره حکمت‌ها و اندرزهای پیامبر و امامان، به‌ویژه کلمات قصار آنها، کتابی تألیف نکرده‌اند،

به این نام نیز در غوطه دمشق گزارش شده است. دو منطقه در بحرین نیز تحت نام‌های «حران الکبری» و «حران الصغری» وجود داشته است. نک: ابن حوقل، ۱۹۹۲م، ۱۸۷؛ حموی، ۱۳۹۹ق، ۲: ۲۳۵-۲۳۶. در این میان، بی‌تردید خاستگاه ابن شعبه حرّانی به بحرین بعید است. احتمال بیشتر داده شده است که خاستگاه حسن بن شعبه حرّانی از شهر «حران» در منطقه جزیره عراق بوده است (عودی، ۱۳۸۷، ۸۳۲). این منطقه امروزه در شمال سوریه و جنوب ترکیه امروزی واقع شده که مرکز فلاسفه و منجمان بوده است. پیروان صابنه و نیز شیعیان ساکنان این شهر بودند. رنه دوسو بر این باور است که صابنیان ساکن این منطقه تأثیر بسیاری بر عقاید نصیریان - ساکنان بعدی در این منطقه - داشته‌اند (Dussaud, 1900, 20). ادعایی که به گفته فریدمن اثبات آن دشوار است (Friedman, 2010, 23, note 72). برای پیشینه تاریخی و ادیانی در منطقه «حران» نک: عودی، ۱۳۸۷، ۸۲۹-۸۳۲.

۱۲. این خاندان با عبارت «إنهم أظهر بیت اختصاص بأهل البيت الأطهار (علیهم السلام) و خیر شعبه من شعب الشیعة» نیز وصف شده‌اند. نک: کلباسی، ۱۴۲۲، ۳: ۱۹۸. برای اطلاعات بیشتر درباره این خاندان نک: بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ۱: ۲۱۴-۲۲۲.

بدینسان و با همین قصد خود دست به چنین تألیفی زده است (حَرَانی، ۱۴۱۶ق، ۲-۳). مطالب این کتاب را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. بخش نخست، اصلی‌ترین و حجیم‌ترین آن است که مشتمل بر احادیثی در اصول و فروع دین و کلیات و دسته‌ای از سنت‌ها و آداب دین و پند و اندرزهای پیامبر و امامان و سخنان حکیمانۀ آنان - به‌جز امام دوازدهم - است. مؤلف، این احادیث را به ترتیب معصومان تنظیم کرده است، بدین‌گونه که با احادیث نقل شده از پیامبر شروع شده و با احادیث امام حسن عسکری (علیه السلام) پایان یافته است. نویسنده به دلیلی که ذکر می‌کند، ترجیح می‌دهد سخنان امام دوازدهم را نقل نکند.^{۱۳} بخش بعدی کتاب چند مورد از مناجات قدسی از دو پیامبر الهی حضرت موسی و حضرت عیسی (علیهما السلام) و مواعظی از حضرت مسیح در انجیل را شامل می‌شود. بخش سوم و پایانی کتاب، وصیت‌نامهٔ مُفضَّل بن عُمَر جُغفی - از اصحاب شناخته شده و تا حدودی مورد مناقشهٔ امام صادق (علیه السلام) - به شیعیان است (حَرَانی، ۱۴۱۶ق، ۵۱۳-۵۱۵). این مسأله کاملاً می‌تواند اهمیت جایگاه مُفضَّل جُغفی را نزد مؤلف نشان دهد. نکتهٔ حائز اهمیت دربارهٔ روایات این کتاب آنکه مؤلف اسانید را به سه دلیل اساسی حذف کرده است؛ یکی اختصار و تقلیل حجم کتاب، دیگری احتمال کتاب بر متون اخلاقی و حکمت‌آمیز که بر درستی خود شهادت می‌دهند و سومین دلیل آنکه این روایات را برای شیعیانی فراهم کرده که تسلیم امامان‌اند، از این رو ذکر اسناد چندان ضروری نداشته است.^{۱۴}

هیچ دلیل کتابشناختی محکمی که انتساب کتاب تحف العقول به ابو محمد ابن شعبه حَرَانی را اثبات نماید در منابع امامی وجود ندارد. چنانکه گفتیم نام این اثر در منابع فهرستی و رجالی متقدم امامی نیامده است. به نظر می‌رسد که عالمان متقدم امامی اساساً با چنین اثری ناآشنا بوده‌اند. این شیخ ابراهیم قطیفی در سدهٔ دهم هجری بوده است که برای نخستین بار از وجود این عالم سخن گفته، و شیخ حر عاملی و محمد باقر

۱۳. عبارت وی چنین است: «و اینکه از نامه‌های حضرت صاحب الزمان و حجت عصرمان ذکری نکردیم با اینکه در بین شیعیان مستبصر متواتر است و از آن فیض می‌برند، بدان جهت بود که از آن حضرت چیزی که متناسب وضع کتاب و تألیف ما باشد به ما نرسید». حَرَانی، ۱۴۱۶ق، ۴۸۹-۴۹۰.

۱۴. «وأسقطت الأسانید تخفيفاً وإيجازاً وإن كان أكثره لي سماعاً ولأن أكثره آداب وجگم تشهد لأنفسها ولم أجمع ذلك للمنكر المخالف بل ألفته للمسلم للأئمة العارف بحقهم الراضي بقولهم الراذ إليهم». حَرَانی، ۱۴۱۶ق، ۳.

مجلسی - بنا بر اطلاعات موجود - نخستین عالمیانی اند که صراحتاً کتاب تحف العقول را به ابن شعبه حرّانی نسبت داده‌اند و از آن به مثابه منبع روایی معتبر در آثار خود استفاده کرده‌اند. شیخ حر عاملی مؤلف کتاب را «ابو محمد حسن بن علی بن شعبه» معرفی کرده، او را با عبارت «شیخ صدوق و محدث جلیل» ستوده و از کتاب تمجید کرده و آن را مشهور و دارای فواید بسیار دانسته است (حرعاملی، بی تا، ۳۰: ۱۵۶؛ همو، ۲: ۷۴). علامه مجلسی نیز در کنار انتساب کتاب به او، از دستیابی به نسخه‌ای قدیمی («عشرنا منه علی کتاب عتیق») یاد کرده است. این عبارت به خوبی گواه بر آن است که وی به شکل و جاده‌ای به این کتاب دست پیدا کرده است که به نوبه خود بر بی‌اطلاعی طولانی مدت عالمان امامی - دست کم شش قرن - از این اثر دلالت دارد. به باور وی، نظم و ترتیب موجود در مطالب کتاب بر جایگاه والای نگارنده آن دلالت دارد. او همچنین معتقد است که چون بیشتر این احادیث در موضوع اخلاق و مواعظ و از اصول معلوم دینی است ارسال سندی، ضعفی در آنها به‌شمار نمی‌آید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۰، ۲۹). شیخ حسین بن علی بن صادق بحرانی نیز از کتاب تحف العقول با انتساب به ابن شعبه یاد کرده و با عبارت «روزگار کتابی مانند آن به خود ندیده است» به تمجید از آن پرداخته است («و هو کتاب لم یسمح الدهر بمثله»؛ بحرانی، ۱۲۶). هرچند با وجود جوامع حدیثی همچون الکافی کلینی این عبارت کمی اغراق‌آمیز است (منتظری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۸۹-۹۰). بحرانی حدیثی را از تحف العقول که خود آن را اِعجاب‌انگیز وصف کرده در این اثرش نقل نموده است (بحرانی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۶).

به نظر دلیل این انتساب وجود نام ابن شعبه بر روی نسخه‌ای از تحف العقول بوده که - چنانکه گذشت - ظاهراً شیخ حر عاملی و مجلسی به آن دست یافته بودند. امروزه چندین نسخه خطی از این اثر در دست است که قدیم‌ترین نسخه شناخته شده آن در تاریخ ۱۷ صفر ۹۸۳ق کتابت شده و در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود. فاصله زمانی حدوداً شش قرنی از زمان احتمالی تألیف تا سده‌های دهم و یازدهم نیز از مشکلات آن است.^{۱۵} از این رو این سخن که «تحف العقول از زمان نگارش تا کنون پیوسته

۱۵. در اصطلاحات حدیثی از آن به «وجاده» یاد می‌کنند. به عبارت دیگر، راه دستیابی به این کتاب «وجاده‌ای» است و طریق متصل به آن وجود ندارد. در این باره نک: توحیدی، بی تا، ۱: ۷-۹. هرچند داوری می‌کوشد تا با استناد به سخن شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة به‌هنگام ذکر طریق عمومی به منابعی که طرق خاصی برای آنها گزارش نمی‌کند، وجود طریق برای کتاب تحف العقول را اجمالاً ثابت نماید:

مورد توجه علمای شیعه و از موسوعه‌های روایی و از منابع دست اول شیعه در اخلاق و موعظه محسوب می‌شود» (حزّانی، ۱۴۰۴ق، ۷، مقدمه محقق) و «بیش از یک هزار سال همواره نقل مجالس و محافل علمی و زبانزد فقها و علمای آداب و اخلاق اسلامی و دستمایه سخنوران بزرگ و خطیبان نامدار هر روزگار بوده» (حزّانی، ۱۳۷۶ش، ۵، مقدمه مترجم) سخنانی دور از واقعیت و غیرعلمی است. با توجه به آنچه درباره تاریخچه دستیابی به این کتاب گفته شد، مشهور خواندن آن نیز از سوی شیخ حر عاملی جای بسی شگفتی دارد.

۲. اعتبار روایت «معاش عباد»

پیش‌تر اشاره شد که نخستین و بلندترین چهار حدیثی که شیخ انصاری در آغاز کتاب المکاسب خود نقل کرده حدیثی از کتاب تحف العقول و مشهور به حدیث «معاش عباد» است. او ظاهراً حدیث را بی‌واسطه از منبع اصلی اش تحف العقول نقل نکرده است، بلکه منبع وی - چنانکه خود تصریح کرده - دو کتاب وسائل الشیعة اثر شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق) و الحدائق الناضرة تألیف شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) است (حر عاملی، بی‌تا، ۱۷: ۸۳-۸۶، ح ۲۲۰۴۷؛ بحرانی، بی‌تا، ۱۸: ۶۷-۷۰). اما متن روایت در این دو کتاب با آنچه در تحف العقول آمده در برخی موارد تفاوت‌های چشمگیری دارد به نحوی که معنا کاملاً متفاوت است. به سبب تشابه نسخه الحدائق الناضرة با تحریر وسائل الشیعة، این احتمال که کتاب وسائل الشیعة منبع شیخ یوسف بحرانی بوده بعید نمی‌نماید. علامه مجلسی نیز این روایت را در بحار الأنوار نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲: ۳۴۷-۳۴۷، ح ۴۹ و نسخه کامل‌تر روایت در ۱۰۰: ۴۴-۴۹، ح ۱۱)، اما نکته حائز اهمیت در این باره آنکه متن منقول در این کتاب کاملاً مشابه با تحریر تحف العقول است. سبب چنین اختلافی میان وسائل الشیعة و بحار الأنوار در نقل روایت معاش، یکی از این دو احتمال است: یا آنکه نسخه در دسترس شیخ حر عاملی از تحف العقول متفاوت از نسخه در اختیار علامه

«فقد عدّه صاحب الوسائل من الكتب المعتمدة التي وصلت إليه، إلا أنه لم يذكر له طريقاً بخصوصه، نعم قال في آخر كلامه: "و نروي باقي الكتب بالطرق المشار إليها و الطرق المذكورة عن مشايخنا و علمائنا رضی الله عنهم جميعاً" [حر عاملی، بی‌تا، ۳۰: ۱۸۹]. و لا شك في دخول هذا الكتاب في قوله: "الطرق المذكورة عن مشايخنا" دون قوله "الطرق المشار إليها". معلم، ۱۴۲۳ق، ۱: ۴۹۱.

مجلسی - که موافق با نسخه موجود از این کتاب است - بوده یا آنکه شیخ حرعاملی در انتقال متن روایت دچار نقل به معنا شده است. غالب عالمان، احتمال اخیر را مطرح کرده اند.^{۱۶}

سخن درباره روایت تحف العقول در دو محور مطرح شده است؛ یکی سند روایت و دیگری دلالت (فقه الحدیث) آن،^{۱۷} موافقان و مخالفان آن به هر دو جنبه پرداخته اند که در ادامه آرا و نظرات ایشان ارائه و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. موافقان

شمار قابل توجهی از فقیهان امامیه اعتبار حدیث «معاش عباد» را بنا بر وجود برخی شواهد پذیرفته اند، چندانکه بنا بر یک نظر، این روایت مورد استناد فقهای متأخر در ابواب متعدد فقهی قرار گرفته است (منتظری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۸۸). پیش از شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق)، این روایت مورد توجه طیف فقیهان اخباری بوده و ضمن پذیرش آن، در برخی آرای فقهی خود بدان استناد کرده اند. از جمله آنها می توان شیخ حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) را نام برد. چنانکه گفته شد ظاهراً شیخ حرعاملی که کتاب وسائل الشیعة را با هدف تدوین همه روایات فقهی از منابع مورد اعتماد خود نوشت نخستین عالم امامی است که به کتاب تحف العقول توجه نشان داده و از آن دست روایاتی که کارکرد فقهی داشتند بهره فقیهانه برده است.^{۱۸}

شیخ حرعاملی پس از نقل روایت معایش از امام صادق (ع) اشاره دارد که سید مرتضی نیز آن را در رساله المحکم و المتشابه خود نقل کرده است: «و رواه المرتضی

۱۶. در ادامه به مسأله نقل به معنا در کتاب وسائل الشیعة و به تبع در مکاسب شیخ انصاری اشاره خواهد شد.

۱۷. «وتتبیح القول فی هذه الروایة بالبحث فی موردین: الأول: فی سندها، الثاني: فی فقه الحدیث». روحانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۴۹؛ «وهذه الروایة تارة یبحث فیها من حیث السند و اخرى من حیث الدلالة». طباطبائی قمی، ۱۴۱۳ق، ۱: ۶.

۱۸. شیخ حرعاملی در فائده چهارم کتاب خود در یادکرد «کتابهای مورد اعتماد در تألیف این کتاب» از جمله آثاری که نام برده کتاب تحف العقول عن آل الرسول تألیف شیخ راستگو (صدوق) حسن بن علی بن شعبة است. حرعاملی، بی تا، ۳۰: ۱۵۶. از این رو، در جای جای کتاب خود از تحف العقول نقل روایت کرده است. برای نمونه نک: حرعاملی، بی تا، ۱: ۳۶، ح ۵۴، ۲: ۱۵، ح ۱۳۳۹، ۳۳، ح ۱۳۹۹، ۷: ۵۰۸، ح ۹۹۸۶، ۱۳: ۱۵، ح ۱۷۱۸۸، ۱۷: ۸۳، همو، بی تا، ۲۸: ۶.

في رسالة المحکم و المتشابه» (حراعلمی، بی تا، ۱۷: ۸۶). ظاهراً این تلاش وی در جهت تقویت روایت تحف العقول به ویژه به سبب ضعف‌های آن از جمله ارسال سند و تفرد ابن شعبه حرّانی در نقل آن است. اما باید توجه داشت که میان آنچه ابن شعبه حرّانی نقل کرده با آنچه مؤلف رسالة المحکم و المتشابه آورده تفاوت‌های اساسی دارد. از جمله مهمترین این تفاوتها آنکه، ابن شعبه در مقام نقل حدیث امام صادق (ع) است اما در آن رساله مؤلف برداشت‌های خود از آیات را بیان کرده است. تفاوت دیگر آنکه، در حدیث امام صادق (ع) «معایش عباد» بر چهار عنصر اطلاق شده است، حال آنکه در برداشت‌های قرآنی مؤلف رساله مذکور بر ۵ چیز تعلق یافته است. این دو تفاوت، در متن مقایسه‌ای زیر به خوبی روشن است.

متن تحف العقول	متن رسالة المحکم و المتشابه
سأله [=الصادق] سائل، فقال: کم جهات معایش العباد... و وجوه النفقات؟ فقال (عليه السلام): جميع المعایش كلها من وجوه المعاملات فيما بينهم مما يكون لهم فيه المكاسب أربع جهات من المعاملات... فأول هذه الجهات الأربعة الولاية وتولية بعضهم على بعض فالأول ولاية الولاية... ثم التجارة... ثم الصناعات... ثم الإجازات... (حرّانی، ۱۹۶۹م، ۳۳۱).	فأما ما جاء في القرآن من ذكر معایش الخلق و أسبابها، فقد أعلمنا سبحانه ذلك من خمسة أوجه: وجه الإشارة، و وجه العمارة، و وجه الإجارة، و وجه التجارة، و وجه الصدقات (سید مرتضی، ۱۴۲۸ق، ۱۱۵).

از سوی دیگر باید اشاره کرد که میان تحریر تحف العقول از این روایت و تحریر موجود از آن در وسائل الشیعة تفاوت‌هایی وجود دارد. تفاوتی که مورد توجه عالمان نیز قرار گرفته است. سید محمدکاظم یزدی در این باره می‌نویسد که نقل موجود در کتاب تحف العقول مشتمل بر افزوده‌هایی در نقل‌های وسائل الشیعة و کتاب المكاسب شیخ انصاری است؛ اما این تفاوتها سبب تغییر معنای مقصود در روایت نشده است، ظاهراً این دو مؤلف متن روایت را تهذیب کرده‌اند (یزدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲).

عالم اخباری دیگری که به تحف العقول به مثابه منبع معتبر فقهی توجه نشان داده است شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) است. او از این کتاب در زمرة «اصول مُعتمد» یاد کرده و

روایات منقول در آن را معتبر دانسته است (بحرانی، بی تا، ۱۵: ۱۸۰)، از این رو، در چندین مورد به روایاتی از آن در رأی فقهی خود استناد کرده است. از جمله این موارد روایت «معاش عباد» است (بحرانی، بی تا، ۱۸: ۷۰-۷۱. برای موارد دیگر نک: همان، ۷: ۱۱۰، ۲۵۸، ۳۶۳: ۸، ۴۷۲: ۱۱، ۴۸، ۸۵، ۳۱۹). شیخ حسین آل عصفور بحرانی (م ۱۲۱۶ق؛ آل عصفور، الف، ۱۱: ۲۴؛ همو، ب، ۴۵۷. برای موارد دیگر نک: همو، ۱۰/قسم ۱، ص ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۰/قسم ۲، ص ۱۲۱) و شیخ احمد آل طعان بحرانی قطیفی (م ۱۳۱۵ق؛ آل طعان، ۱۴۱۹ق، ۱: ۳۱۶) نیز دیگر فقیهان اخباری اند که در کنار روایات دیگر به این روایت در مقام فتوا توجه نشان داده اند. از جمله فقیهان اصولی که عمل به این روایت را روا دانسته سید محمدکاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق) صاحب کتاب معروف العروة الوثقی است. معیار وی در صحت این روایت بیشتر مبتنی بر همخوانی مضامین آن با قواعد فقهی است. نکته جالب توجه آنکه وی به ارسال سندی این روایت اذعان کرده و ادعای جبران این ضعف به واسطه شهرتش نزد عالمان متأخر را نپذیرفته است؛ زیرا به باور او تنها شهرتی جابر ضعف سند است که از سوی عالمان متقدم نشأت گرفته باشد، حال آنکه به خوبی می دانیم که چنین شهرتی میان عالمان متقدم وجود نداشته است. با این همه، او بر این اعتقاد است که مضامین این روایت مطابق با قواعد فقهی است و نشانه هایی بر درستی آن وجود دارد، از این رو عمل به آن جایز است: «إِنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ الشَّرِيفَةَ وَإِنْ كَانَتْ مَرْسَلَةً وَلَا جَابِرَ لَهَا لِأَنَّهَا وَإِنْ كَانَتْ مَشْهُورَةً بَيْنَ الْعُلَمَاءِ فِي هَذِهِ الْأَعْصَارِ الْمَتَأَخَّرَةِ إِلَّا أَنَّ الشَّهْرَةَ الْجَابِرَةَ وَهِيَ مَا كَانَتْ عِنْدَ الْقَدَمَاءِ مِنَ الْأَصْحَابِ أَوْ الْعُلَمَاءِ غَيْرِ مَتَحَقِّقَةٍ لَكِنْ مَضَامِينُهَا مُطَابِقَةٌ لِلْقَوَاعِدِ وَمَعَ ذَلِكَ فِيهَا أُمَارَاتُ الصَّدَقِ فَلَا بُأْسَ بِالْعَمَلِ بِهَا». او البته هیچ اشاره ای به نشانه های دال بر درستی روایت نمی کند (یزدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲).

فقیه دیگری که از او می توان در زمره باورمندان به اعتبار عمل به این روایت یاد کرد سید عبدالحسین لاری (م ۱۳۴۲ق) است. او نیز همچون سید محمدکاظم یزدی بر این واقعیت تأکید کرده است که روایت از آن رو که تنها ابن شعبه حرانی در تحف العقول بدون سند روایت کرده مرسل است. وی به درستی بر حقیقتی دیگر مبنی بر اینکه ابن شعبه حرانی - مؤلف کتاب تحف العقول - در شمار راویان و محدثان شناخته شده نیز اشاره کرده است. با این همه، او شواهدی را بر اعتبار روایت مورد توجه قرار داده است. وی از یک سو شهرت را، هر چند برآمده از سوی عالمان متأخر است، جبران کننده ضعف سندی

روایت دانسته و از سوی دیگر نقل آن در وسائل الشیعة و الحدائق الناضرة و موافقتش با قواعد عقلی و نقلی و روایت کتاب فقه الرضا و رسالة المحکم و المتشابه سید مرتضی را از دیگر شواهد اعتبار آن قلمداد کرده است: «و هذه الرواية وإن كانت مرسله، بالنظر إلى أن الحسن بن علي بن شعبة الذي رواها في تحف العقول ليس من عداد الرجال الرواة، ولا من طبقتهم، إلا أنها مجبورة بشهرة أصحابنا المتأخرين على العمل به، ونقله في الوسائل والحدائق، و بموافقتها القواعد العقلية و النقلية، و لفقه الرضا، و رسالة السيد المرتضى». وی استبعاد صدور برخی عبارات روایت از معصوم (شهیدی، ۱۳۷۵، ۱: ۱۹) را با احتمال نقل به معنا یا سخن گفتن امام مطابق با میزان فهم سائل توجیه کرده است: «و أمّا استبعاد أن يكون بعض عبارتها من الإمام عليه السلام فلعله من جهة نقله بالمعنى، أو بما يطابق حال السائل و فهمه الذي هو معنى البلاغة المطابقة لمقتضى حال المخاطب من حيث الذكاوة و البلادة، كما قال تعالى «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِبَلِّغِنا قَوْمَهُ» (ابراهیم: ۴)، و قيل: «كَلَّمَ الناس على قدر عقولهم» فإن البلاغة تختلف باختلاف حال المخاطب» (لاری، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۳).^{۲۰} سید محمد کاظم یزدی نیز در پاسخ به همین اشکال تنها به «نقل به معنای» روایت توسط راوی اشاره کرده است؛ چه آنکه از منظر وی نیز صدور این روایت با چنین الفاظی از معصوم بسیار بعید می نماید (یزدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲).

سید عبدالاعلی سبزواری را نیز باید در زمره عالمانی دانست که اعتبار کتاب تحف العقول را پذیرفته اند. او در اثنای سخنان خود به برخی شواهد و قرائن در اعتبار این کتاب اشاره کرده است. از جمله قرائن وی، اعتماد عالمان بزرگی چون شیخ حر عاملی، علامه مجلسی و شیخ یوسف بحرانی بر کتاب تحف العقول است. شاهد دیگری که او در این باره ارائه کرده آن است که محتویات کتاب بر صدور آن از معصومان شهادت می دهد، چنانکه این امر برای کسانی که با احادیث پیامبر (ص) و امامان (علیهم السلام) انس دارند مشهود و مبرهن است. افزون بر اینها، وی عدم وجود قدح در باره مؤلف تحف العقول را قرینه ای دیگر در این باره تلقی کرده و می نویسد که «نه تنها اندک قدحی در خصوص وی ندیده ام، بلکه همگان از او به بزرگی و جلالت و وثاقت یاد کرده اند».

۱۹. میرزا فتاح شهیدی تبریزی (م ۱۳۷۲ق) عدم صدور عین الفاظ روایت از امام صادق (ع) را قطعی دانسته است.

۲۰. وی، از یکسو شهرت حدیث نزد متأخران را جابر ضعف سندی (ارسال) آن می داند و از سوی دیگر محتوای آن را مطابق قواعد فقهی و روایی برمی شمرد.

اما در این خصوص باید توجه داشت که - چنانکه پیشتر اشاره شد - همه اظهارنظرها درباره ابن شعبه حرّانی از سوی عالمان سده دهم هجری به این سو و ظاهراً با تکیه بر محتوای کتاب تحف العقول بوده است. از این رو شبهه اجتهادی بودن این داوری‌ها، درستی مطلق آنها را با تردیدهایی مواجه می‌نماید.

با این همه، او خود به ضعف‌هایی که موجب بی‌اعتباری کتاب شده اشاره کرده و در صدد پاسخگویی بدانها برآمده است. نخستین آنها، مرسل بودن روایات کتاب است. او در پاسخ بدین اشکال می‌نویسد که «مؤلف خود در مقدمه کتاب به وقوع چنین ارسالی اشاره کرده است، آیا کسی از عالمان چنین ارسالی را که مؤلف ثقه است موجب قدح روایات می‌داند؟ بنا بر کدامین دلیل قائل به این نظر است؟ با توجه به اینکه مؤلف خود تصریح کرده است که بیشتر روایات کتاب را سماع کرده است که در این صورت وجهی برای ارسال باقی نمی‌ماند». پاسخ اخیر وی که «با وجود ادعای مؤلف بر سماع همه روایات کتاب دیگر وجهی برای ارسال باقی نمی‌ماند» جای بسی شگفتی است؛ چه آنکه با وجود صحت چنین ادعایی، واقعیت ارسال سندی روایات کتاب بر طرف نمی‌گردد.

اشکال دوم مبنی بر «عدم نقل روایت صاحبان کتب اربعه از کتاب تحف العقول» با این فرض که «بی‌اطلاعی آنها از وجود چنین کتابی بعید بوده» را چنین پاسخ می‌دهد که عدم نقل مؤلفان کتب اربعه از تحف العقول دلالتی بر قدح و ضعف این کتاب و مؤلف آن ندارد بلکه محتمل است که اشتهار و اعتبار کتاب سبب عدم نیاز به نقل از آن بوده است؛ چه آنکه مؤلفان کتب اربعه تنها به نقل از کتاب‌هایی اقدام کرده‌اند که در معرض نابودی بودند. ادعای اخیر وی که «مؤلفان کتب اربعه تنها به نقل از کتاب‌هایی اقدام کرده‌اند که در معرض نابودی بودند» با آگاهی‌های موجود درباره روش تألیف کتب اربعه و منابع شناخته شده آنها ناهمخوان است. چنانکه دانسته است کتب مشهوری همچون المحاسن برقی و بصائر الدرجات صفار قمی جزو منابع کلینی در تدوین الکافی بوده، شیخ صدوق نیز از کتب مشهور و متداول در زمانه خویش در نگارش کتاب من لا یحضره الفقیه بهره برده است. داستان درباره شیخ طوسی که در موارد متعددی از آثاری همانند الکافی کلینی در تألیف تهذیب الأحکام استفاده کرده کاملاً آشکارتر است.

اشکال دیگری که وی مطرح ساخته و در صدد پاسخ بدان برآمده، اشتغال متن روایت «معاش عباد» بر پیچیدگی‌های زبانی و اضطراب متنی است. پاسخ ایشان به این اشکال

دو وجهی است. از یکسو، باید توجه داشت که وجود چنین آسیب‌هایی در روایت - که منحصر در حدیث مذکور نبوده بلکه در احادیث بیشمار دیگری نیز رخ داده - موجب بی اعتباری آن نمی شود، از سوی دیگر چنانکه دانسته است روایت مذکور دچار نقل به معنا شده است. در واقع ایشان با طرح مسأله «نقل به معنا» ی حدیث «معائش عباد» در صدد آن است که وقوع پیچیدگیهای زبانی و اضطراب‌های متنی را به راوی/ارویان حدیث یا مؤلف کتاب نسبت دهد.

در این باره نیز گفتنی است که به هر حال، وقوع این «نقل به معنا» خواه از راوی حدیث بوده باشد خواه از مؤلف تحف العقول، نهایت آنکه سبب شده تا نتوان چنین متنی را به امام صادق (ع) نسبت داد. در واقع می توان نقل به معنای رخ داده در متن این روایت را از جمله مصادیق «نقل به معنای مخلّ به مضمون روایت» برشمرده که استناد بدان را به مثابه حدیثی معتبر با مشکل مواجه می سازد.

اشکال چهارمی که وی درباره این روایت اظهار می دارد آنکه دسته بندیهای موجود در متن حدیث در خصوص «معائش عباد» به تقسیم بندیهای مصتقان شباهت ندارد و صدور آن از معصوم بعید می نماید. او در رد این اشکال به وجود تقسیم بندیهای متعدد یک موضوع در قرآن کریم مانند آنچه در سوره واقعه^{۲۱} مشاهده می شود و نیز احادیث بسیاری همچون روایت موثق ابن بکیر درباره لباس نمازگزار (کلینی، ۱۳۶۳، ۳: ۳۹۷، ح ۱) اشاره کرده است. اشکال پنجمی که ایشان طرح کرده اشمال کتاب تحف العقول بر احادیث نبوی است. در تحلیل این اشکال باید اشاره کرد که ظاهراً بنا بر قاعده ای نانوشته میان فقیهان امامی نقل روایات نبوی در میان احادیث اهل بیت (علیهم السلام) مفهوم خاصی دارد بدین معنا که معمولاً ائمه (علیهم السلام) در جایگاه و موقعیت تقیه به روایات نبوی استناد می نمایند، از این رو - باور مندان به این دیدگاه - این دست روایات را به کناری می نهند که روایت مورد بحث نیز چنین خصوصیتی دارد. وی در مقام پاسخ، این نگرش را ظلم نسبت به پیامبر (ص) می داند و بر این باور است که نشانه های بسیاری بر وثوق نسبت به صدور آن وجود دارد. او در پایان دیدگاه خود را خلاصه وار اینگونه مطرح می کند که با وجود قرائن دال بر اعتماد و وثوق نسبت به صدور روایات و وثاقت مؤلف، ارسال سند آسیبی به اعتبار کتاب

۲۱. «كُنْتُمْ أَرْوَاجاً ثَلَاثَةً * فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ * وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ * وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (الواقعة: ۷-۱۰) و نیز داستان عبد صالح و حضرت موسی (ع) در سوره كهف.

و روایات آن وارد نمی‌سازد. افزون بر اینکه، در خصوص روایت «معانش عباد» معتقد است که محتوای آن با قواعد عام مطابقت داشته و با آنچه فقیهان امامی بر آن اجماع و اتفاق نظر دارند موافق است، که این دو قرینه بر اعتبار روایت مذکور می‌افزاید. او این نظر را که «شهرت جابر ضعف سند نبوده، و بر فرض اینکه جبران کننده باشد شهرت قدمایی ملاک است نه شهرت نزد متأخران» توهمی بیش ندانسته و معتقد است که اتفاق نظر گروهی از خبرگان بر اعتماد به یک امر و در مقابل اتفاق ایشان در اعراض از چیزی، موجب اطمینان و اعتبار امر نخست و دست کم ایجاد تردید در دومی می‌شود که در این باره هیچ تفاوتی میان شهرت خبرگان فن از میان متقدمان و متأخران وجود ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۱۶: ۱۹۷-۱۹۹).

بنا بر آنچه گذشت، هر چند مدعیان اعتبار روایت «معانش عباد» از وجود شواهد و قرائن دال بر وثوق صدوری آن سخن می‌گویند، اما باید توجه داشت که این نشانه‌ها حتی از سوی خود آنها نیز به روشنی تبیین نشده است. تنها نشانه ممکن «شهرت» این روایت است که اعتبار آن نیز به نوبه خود تحت الشعاع اختلافی مبنایی میان فقیهان است، چندانکه فقهای هم‌چون آیه الله خوئی با حجیت شهرت مخالفت کرده و برخی تنها بعضی مصادیق آن را پذیرفته‌اند.^{۲۲}

۲-۲. مخالفان

برخی فقیهان امامی همانند علی بن عبدالحسین نجفی ابروانی (م ۱۳۵۴ق؛ ابروانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲) اعتبار حدیث «معانش عباد» را مخدوش می‌دانند. فقیه معاصر سید محمد حسینی شیرازی (م ۱۴۲۲ق) نیز هر چند محتوای آن را مطابق با قواعد فقهی دانسته است، اما عمل به آن را به ویژه به سبب تعارض با برخی عمومات قرآنی خالی از اشکال نمی‌داند (شیرازی، بی تا، ۱: ۵).^{۲۳}

مطالب قابل توجهی در مخالفت با اعتبار این روایت از سوی فقیه بزرگ معاصر آیه الله

۲۲. در این باره نک: باقری، «شهرت و جبران ضعف سند؛ نگاهی به دیدگاه وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ق)»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، در دست انتشار.

۲۳. «وقد اشکل جمع علی هذه الروایة باشکالات لکن الجمیع مخدوشة بعد مطابقة مضمونها لسان الادلة. نعم یشکل العمل بها فیما لو فرض مورد عارضت العمومات نحو "أحلَّ اللهُ البیعَ" و "تجارة عن تراضٍ مِنْكُمْ" و ما اشبهه».

خوئی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق) اراده شده است. او در این خصوص، چهار اشکال عمده را طرح کرده است. نخستین اشکال آنکه حدیث به لحاظ قواعد حدیث شناسی مرسل است، حال آنکه در فقه جواهری حدیث مرسل فاقد اعتبار و حجیت است (توحیدی، بی تا، ۱: ۱۸-۲۵؛ کلانتر، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۹-۲۰). دلیل ارسال حدیث آن است که حسن بن علی بن شعبة حرانی آن را بدون ذکر سلسله اسانید و مستقیم از امام صادق (ع) نقل کرده است. اما از آنجا که دانسته است میان زمان حیات او (در حدود قرن چهارم هجری) و دوران حیات امام صادق (ع) فاصله‌ای در حدود دو قرن بوده و به هیچ روی وی نمی توانسته حضرت را درک کرده باشد. از این اشکال در برابر سه مورد دیگر، به «اشکال سندی» تعبیر می شود. این دیدگاه به شکل کلی تر درباره خود کتاب تحف العقول نیز وجود دارد. آنچه در کنار کم اطلاعی از مؤلف کتاب و وجاهه‌ای بودن آن مایه خرده‌گیری و در برخی موارد نامعتبر دانستن مندرجات تحف العقول از سوی علمای شیعه شده، ارسال اسناد احادیث آن است. اگر چه خود ابن شعبه - چنانکه پیشتر اشاره شد - به این موضوع توجه و در مقدمه کتاب اذعان داشته که سلسله سند بیشتر احادیث کتاب را سماع کرده است، ولی در تألیف کتاب برای رعایت ایجاز و نیز به این سبب که بیشتر این کلمات و سخنان از زمره آموزش‌ها و حکمت‌هایی است که گواه درستی خود هستند و به این دلیل که آنها را برای شیعیان فراهم کرده است که تسلیم امامان‌اند، از ذکر اسناد احادیث کتاب اجتناب کرده است (حرانی، ۱۴۱۴ق، ۳). آیه الله خویی ضمن اعتراف به فضل و ورع و ممدوح بودن حرّانی، کتاب وی را به دلیل مُرسل بودن احادیث آن، فاقد اعتبار دانسته و در هیچ یک از احکام شرعی، استناد به احادیث تحف العقول را جایز ندانسته است (توحیدی، بی تا، ۱: ۱۸-۱۹؛ غروی، بی تا، ۱: ۴۷۴).

ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ق) نیز به همین سبب استناد به روایت تحف العقول را نامعتبر دانسته و انجبار آن به شهرت را نیز محل نزاع می داند: «و این خبر نیز ضعیف است و انجبار آن در محل نزاع غیر معلوم» (نراقی، ۱۳۸۰ش، ۱: ۹۰-۹۱). آقارضا همدانی (م ۱۳۲۲ق) نیز همین دیدگاه را دارد. او استناد شیخ حرعاملی به روایات تحف العقول را به سبب ضعف سندی آنها مورد مناقشه قرار داده است (همدانی، ۱۴۲۳ق، ۱۰: ۳۵۹-۳۶۰ و ۱۱: ۱۸۹). مرحوم سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۸ق) نیز برخلاف نظر کسانی که قائل به صحت کتاب تحف العقول شده‌اند اعتبار این کتاب را نپذیرفته است: «و قد اختار جمع من الأفاضل صحّة کتاب تحف العقول، ولکنّه عندنا غیر ثابت جدّاً» (خمینی، ۱۴۱۸ق، ۲۹-۳۰).

آیه الله سید محمد صدر (م ۱۴۲۱ق) از جمله ادله روایی ولایت فقیه را روایتی منقول از امام حسین (ع) در تحف العقول دانسته است. متن این روایت چنین است: «بِأَنَّ مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَالِهِ وَحَرَامِهِ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۲۳۸). وی نخستین اشکال بر این روایت را فقدان سند دانسته و آن را از شدیدترین حالات ارسال سند برشمرده است. او معتقد است که هیچ راه گریزی از این اشکال وجود ندارد: «و هذه مناقشة لا مناص منها» (صدر، ۱۴۲۷ق، ۹: ۵۱-۵۲). امام خمینی نیز همین اشکال سندی را بر این روایت مطرح کرده است (سبحانی، بی تا، ۳: ۱۵۳-۱۵۴).

میرزا فتاح شهیدی تبریزی (م ۱۳۷۲ق) در شرح خود بر المکاسب، اعتبار و حجیت یک روایت را مستلزم سه شرط دانسته که دست کم دو شرط اخیر لازم و ضروری است: ۱. اینکه روایت مسند و صحیح یا مؤثق یا حسن باشد، ۲. اینکه در کتابی که انتساب آن به مؤلفش یقینی باشد (خواه به تواتر خواه طریقی معتبر جز تواتر) نقل شده باشد، ۳. اینکه مؤلف کتاب، ثقه و خیره در تمییز روایات صحیح از سقیم باشد. او معتقد است که هیچ یک از این شروط سه گانه درباره روایت «معاش عباد» و کتاب تحف العقول وجود ندارد؛ چه آنکه اولاً این روایت در کتاب تحف العقول بدون سند نقل شده است، ثانیاً علم و یقین به انتساب این کتاب به مؤلف آن نه به تواتر و نه با طریق صحیح وجود ندارد و ثالثاً مؤلف ادعایی آن ناشناخته است و نامی از وی در منابع دیده نمی شود. او هر چند برخی شواهد در انتساب کتاب به ابن شعبه حرانی و وثاقت و جلالت قدر وی را مطرح کرده، اما خود تأکید می کند که مسأله ارسال سند روایت غیرقابل پاسخ است. او در نهایت با استناد به همین ضعف، روایت را نامعتبر دانسته است: «و ملخصه عدم ما یوجب اعتبارها من حیث الإرسال کی یرفع بها الید عمّا یدل علی الجواز تکلیفاً و وضعاً من الأصول العملية و اللفظیة فتأمل جیداً» (شهیدی، ۱۳۷۵ش، ۱: ۱-۲).

مرحوم آیه الله میرزا جواد تبریزی (م ۱۴۲۷ق) نیز با فرض پذیرش این دو نکته که کتاب در زمره کتب معتبر است و مؤلف آن - به گفته شیخ حرعاملی - صدوق و مورد اعتماد است، اما روایت مورد بحث به سبب فقدان سند، نامعتبر است. وی معتقد است که معتبر دانستن کتاب و وثاقت مؤلف آن به معنای صحت همه محتوای آن نیست. بنا به باور وی، عدالت یا وثاقت صرف ناقل خبر برای ما در اعتبار آن کافی نیست، بلکه احراز وضعیت همه راویان خبر لازم است. ایشان این احتمال را که مؤلف تحف العقول برای اختصار دست به حذف

اسناد زده ناکارآمد می‌داند؛ چه آنکه از یک سو دانسته نیست که همهٔ راویان سند روایت ثقه و عادل بوده اند و از سوی دیگر، اعتقاد مؤلف به صدور روایت را از امام بنا بر قرینه ای که برای ما ناتمام باشد محتمل می‌داند. او همچنین ادعای جبران ضعف سند به واسطهٔ عمل مشهور را نمی‌پذیرد؛ زیرا هیچ فقیه‌ی را نمی‌توان سراغ گرفت که با استناد به برخی احکام مذکور در روایت فتوا داده باشد، چه رسد به آنکه همهٔ فقها به آن عمل کرده باشند. افزون بر این، او نه تنها ادعای وجود شواهد و قرائنی در روایت را که کاشف از درستی مضمون آن است رد کرده است، بلکه مقتضای اضطراب متن و وجود اشتباه در آن را شاهده‌ی بر نادرستی مضمون آن می‌داند (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۸).

فقیه معاصر سید محمدصادق روحانی نیز ضعف سندی را مشکل روایات تحف العقول دانسته است (روحانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۱۴۹). او به‌طور خاص دربارهٔ روایت «معائش عباد» بر این اعتقاد است که رسالهٔ المحکم و المتشابه - از جمله منابعی که این روایت را نقل کرده - غیر قابل اعتماد است؛ چه آنکه این رساله همان تفسیر مشهور ابو عبد الله محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی (م حدود ۳۶۰ق) است که هر چند مؤلف آن عالمی شناخته شده است اما برخی راویان آن همچون احمد بن یوسف و حسین بن علی بن ابی حمزه و پدرش ضعیف اند. گذشته از آنکه متن آن با نسخهٔ تحف العقول از این روایت، متفاوت است (روحانی، ۱۴۱۲ق، ۱۴: ۱۲).

او دربارهٔ نقل روایت در کتاب تحف العقول معتقد است که هر چند مؤلف این کتاب را عالمی «جلیل القدر» و «عظیم المنزله» دانسته و این کتاب را - انسان که خبرگان فن تصریح کرده اند - مورد اعتماد عالمان امامی بر شمرده است، اما فقدان سند و مرسل بودن روایت از امام صادق (ع) را ضعف حائز اهمیت آن دانسته به گونه‌ای که ادلهٔ حجیت خبر واحد آن را در بر نمی‌گیرد. وی یادآور می‌شود که برای حجیت این روایت به دلایلی استدلال شده است: یک. وجود قرینه بر اعتبار و وثاقت راویان حذف شده از سند؛ دو. جبران ضعف سند با عمل مشهور؛ سه. موافقت مضمون روایت با برخی روایات صحیح و معتبر؛ چهار. ظهور آثار صدق و درستی در روایت. او با اشاره به این ادله، خود به نقد آنها پرداخته است. وی ظاهر دلیل نخست یعنی «وجود قرینه بر وثاقت راویان سند حذف شده» را نقل مؤلف بلندمرتبهٔ کتاب دانسته و در این باره می‌نویسد که «جلالت قدر وی مانع از دروغگویی وی می‌شود و نه مانع نقل از راوی غیر ثقه». دربارهٔ دلیل دوم نیز معتقد است

که نه تنها از یک سو عمل متقدمان به این روایت برای جبران ضعف سند آن، غیر ثابت است و از سوی دیگر عمل متأخران به آن نیز مفید نیست، بلکه در مواردی فتاوی ایشان در مسائل متفرقه با فقرات مذکور در این روایت سازوار نیست. وی درباره «موافقت مضمون این روایت با روایات صحیح و معتبر» بر این باور است که حجیت خبر ضعیف به واسطه موافقت با روایتی که معتبر و حجیت است ثابت نمی شود. وی با اظهار تعجب در خصوص دلیل چهارم می نویسد که «معنای نشانه های صدق در همچون روایتی برای من ظاهر نیست، جز اضطراب متن و تکرار جملات آن». او در پایان چنین نتیجه گرفته است که «اقوی عدم حجیت چنین خبری است، از این رو قرار دادن آن در آغاز کتاب و استناد به آن برای احکام بعدی ناصحیح است، بلکه توجه به مدرک هر حکم به طور خاص ضروری و ناگزیر است» (روحانی، ۱۴۱۲ق، ۱۴: ۱۲-۱۳).

افزون بر آنچه گفته شد، برخی فقیهان اشکالات محتوایی دیگری را نیز بر این روایت وارد کرده اند که «عدم محدودیت وجوه مختلف معیشت انسان به موارد چهارگانه مطرح در روایت تحف العقول» از جمله آنهاست (در این باره نک: یزدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۲؛ منتظری، ۱۴۱۵ق، ۱: ۸۴). اشکال دیگری را نیز محقق ابروانی مطرح کرده است مبنی بر اینکه برخی فقرات روایت در دو ضابطه حلال و حرام متعارض یکدیگرند (ابروانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲-۳).

نتیجه گیری

روایت «معائش عباد» منقول از امام صادق (ع) از جمله احادیث فقهی است که اهمیت به سزایی در مباحث مرتبط با مکاسب یافته است. اهمیت این روایت از دو جنبه است؛ نخست آنکه این روایت مفصل ترین حدیث امامیه در تبیین ضوابط معاملات است، دیگر آنکه استخراج قواعد فقهی متعددی با استناد به آن ممکن است، تا آنجا که برخی فقیهان ۱۲ قاعده فقهی از آن به دست آورده اند. کتاب تحف العقول تألیف ابو محمد حسن بن علی بن شعبة حرانی قدیمترین منبع این روایت است، کتابی که مباحث پیرامون آن تأثیر غیر قابل انکاری در اعتبار روایت مذکور دارد. حذف تمامی اسناد روایات کتاب و به تبع «مرسل مطلق» شدن آنها، ناآگاهی از سوانح حیات و اوصاف مؤلف کتاب، کشف قدیمی ترین نسخه کتاب در سده دهم هجری و نبود طریق متصل به زمان ادعایی حیات مؤلف در قرن چهارم در کنار اضطراب متن و تعارض میان برخی فقرات آن از جمله اسبابی است که سبب

بی اعتباری کتاب تحف العقول و روایت «معائش عباد» شده است. دیدگاهی که فقیهان امامیه همچون نجفی ابروانی (م ۱۳۵۴ق)، میرزا فتاح شهیدی تبریزی (م ۱۳۷۲ق)، آیه الله خوئی (م ۱۴۱۳ق)، شاگردش آیه الله میرزا جواد تبریزی (م ۱۴۲۷ق) و سید محمدصادق روحانی آن را مطرح کرده اند. بنابراین، سخن میرزا فتاح شهیدی درباره این روایت قابل اعتناست که اولاً روایت مذکور در تحف العقول بدون سند نقل شده است، ثانیاً علم و یقین به انتساب این کتاب به مؤلف آن نه به تواتر و نه با سند صحیح وجود ندارد و ثالثاً مؤلف ادعایی آن ناشناخته است و نامی از وی در منابع دیده نمی شود. در مقابل گروهی دیگر از فقیهان بزرگی همانند سید محمدکاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق)، سید عبدالحسین لاری (م ۱۳۴۲ق) و سید عبدالاعلی سبزواری (م ۱۴۱۴ق) حکم به اعتبار این روایت داده اند. ایشان شهرت روایت را جبران کننده ضعف سندی آن و موافقت محتوایش با قواعد فقهی را موجب اعتمادبخشی به روایت دانسته اند. صرف نظر از اختلاف مبنایی فقیهان در حجیت شهرت، در خصوص شهرت ادعایی باید اذعان کرد که چنین شهرتی در هیچ یک از ادوار تاریخ فقه امامیه وجود نداشته است. موافقت محتوای روایت با قواعد فقهی به تنهایی در وثوق و اعتماد نسبت به صدور روایت از امام صادق (ع) کافی نیست. از این رو چنین به نظر می رسد که قرائن و شواهد اعتماد بخش روایت به طور کلی مفقود است.

منابع

- قرآن کریم
آقابزرگ طهرانی، محسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
_____ طبقات اعلام الشيعة، قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
آل طعان بحرانی قطیفی، احمد، الرسائل الأحمديّة، قم: دار المصطفى (ص) لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق.
آل عصفور، حسین (الف)، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتيح الشرائع، تحقیق: محسن آل عصفور، ناشر: محقق، بی تا.
آل عصفور، حسین (ب)، سداد العباد و رشاد العباد، تحقیق: محسن آل عصفور، قم: محلاتی، ۱۴۲۱ق.
ابن حوقل نصیبی، ابوالقاسم، صورة الأرض، بیروت: دار مكتبة الحياة، ۱۹۹۲م.
ابن خُزّادّیه، عبیدالله بن عبدالله، المسالك و الممالک، تحقیق: دخویه، لیدن: بریل، ۱۸۸۹م.
ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صا، بی تا.
ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
اسکافی، محمد بن همام، التمهیص، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، بی تا.
اسماعیل پاشا، إیضاح الکنون فی الذیل علی كشف الظنون، تحقیق: محمد شرف الدین یالتقایا و رفعت بیلگه الکلّیسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.

- افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ق.
- امین، سید محسن، أعیان الشیعة، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.
- انصاری، مرتضی، کتاب مکاسب، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذکری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ الأنصاری، ۱۴۱۵ق.
- ایروانی، سید علی بن عبدالحسین، حاشیة مکاسب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- بحرالعلوم، سید محمد مهدی، رجال السید بحرالعلوم المعروف بالفوائد الرجالية، تحقیق: محمد صادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، طهران: مكتبة الصادق، ۱۳۶۳ش.
- بحرانی، حسین بن علی، الطريق إلى الله، تقديم: مهدی السماوی، قم: منشورات حرمین، ۱۴۰۴ق.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا.
- تبریزی، جواد، إرشاد الطالب إلى التعلیق علی مکاسب، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج سوم، ۱۴۱۶ق.
- تمام زمام، کتاب تحف العقول عن آل الرسول مؤلفه و اعتبره، نجف: مرکز ابن إدريس الحلی للتنمية الفقهية و الثقافية، ۱۴۳۳ق.
- توحیدی تبریزی، محمد علی، مصباح الفقاهة (تقريباً لأبحاث الأستاذ الأعظم سماحة آية الله العظمى السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي)، قم: مكتبة الداوری، بی تا.
- حافظیان، ذیل مدخل «حرانی، ابن شعبة»، در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۱۲، ۱۳۸۷ش.
- حائری، سید کاظم، مباحث الأصول: تقریراً لأبحاث سماحة آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر، قم: مؤلف، ۱۴۰۷ق.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبة، تحف العقول عن آل الرسول، بیروت: مؤسسة الأعلی للمطبوعات، ۱۹۶۹م.
- _____، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- _____، رهاورد خرد (ترجمة تحف العقول)، ترجمة پرویز اتابکی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶ش.
- حرعاملی، محمد بن حسن، أمل الأمل في علماء جبل عامل، تحقیق: سید احمد حسینی، بغداد: مكتبة الأندلس، بی تا.
- _____، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- _____، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
- خمینی، سید مصطفی، ثلاث رسائل، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، ۱۴۱۸ق.
- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، تهران: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ق.
- دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- دهشور، سلمان، «استاد فقهی به تحف العقول در بوته نقد و بررسی»، مجلة فقه، سال هفدهم، ش ۶۴، ۱۳۸۹ش.
- روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق (ع)، قم: مؤسسة دار الكتاب، ج دوم، ۱۴۱۲ق.
- سبحانی، جعفر، تهذیب الأصول (تقرير بحث السيد الخمينی)، قم: دار الفکر، بی تا.
- سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، مكتب آية الله العظمى السيد السبزواری، ۱۴۱۳ق.
- سید مرتضی (منسوب)، رسالة المحکم و المتشابه، تحقیق: سید عبدالحسین غریفی بهبهانی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۲۸ق.
- شیرازی زنجانی، سید محمد جواد [الف]، «بررسی اسناد کتاب اختصاص»، مجموعه مقالات کنگرة شیخ مفید، ش ۹۲.
- شیرازی زنجانی، سید محمد جواد [ب]، «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، مجموعه مقالات کنگرة شیخ مفید، ش ۹۲.

- شہیدی تبریزی، میرزا فتاح، ہدایۃ الطالب الی أسرار المکاسب، تبریز: چاپخانہ اطلاعات، ۱۳۷۵ق.
- شیرازی، سید محمد حسینی، ایصال الطالب الی المکاسب، تہران: منشورات اعلمی، ج اول، بی تا.
- صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، قم: المحبین للطباعة و النشر، ج سوم، ۱۴۲۷ق.
- طباطبائی قمی، سید تقی، عمدۃ المطالب فی التعلیق علی المکاسب، قم: کتابفروشی محلاتی، ۱۴۱۳ق.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
- _____ تاریخ الأمم و الملوک مشہور بہ تاریخ الطبری، بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفہانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
- _____ فہرست کتب الشیعة و أصولہم، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبۃ العلامة الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
- عودی، ستار، مدخل «حرّان»، در دانشنامۃ جہان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تہران: بنیاد دائرۃ المعارف اسلامی، ج ۱۲، ۱۳۸۷ش.
- غروری تبریزی، علی، التفتیح فی شرح العروة الوثقی: کتاب الطہارۃ (تقریراً لبحث آیۃ اللہ العظمی السید أبو القاسم الموسوی الخوئی)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، بی تا.
- قطیفی، ابراہیم، الوافیۃ فی الفرقة الناجیۃ، بیروت: مؤسسة البقیع لإحیاء التراث، بی تا.
- کحالة، عمر، معجم المؤلفین، بیروت: مکتبۃ المشنی و دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- کلانتر، سید محمد، کتاب المکاسب (المحشی)، قم: مؤسسہ مطبوعاتی دار الکتب، ۱۴۱۰ق.
- کلباسی، محمد بن محمد ابراہیم، الرسائل الرجالیۃ، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تہران: دار الکتب الإسلامیۃ، ۱۳۶۳ش.
- لاری، سید عبدالحسین، التعلیقۃ علی المکاسب، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیۃ، ۱۴۱۸ق.
- مامقانی، عبداللہ، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- معلم، محمد علی، أصول علم الرجال بین النظریۃ و التطبيق (تقریراً لأبحاث سماحۃ آیۃ اللہ الحاج الشیخ مسلم الداوری)، تصحیح: حسن العبودی، ۱۴۲۳ق.
- مفید، محمد بن نعمان، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت: دار المفید للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی المکاسب المحرّمة، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵ق.
- نجاشی، احمد بن علی، فہرست أسماء مصنفي الشیعة المشتهر برجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
- نراقی، احمد، رسائل و مسائل، بہ کوشش رضا استادی، قم: کنگرہ بزرگداشت ملامہدی و ملا احمد نراقی، ۱۳۸۰ش.
- نمازی شاہرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تہران: ابن المؤلف، ۱۴۱۲ق.
- نوری طبرسی، حسین، خاتمة مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.
- ہمدانی، آقارضا، مصباح الفقیہ، تحقیق: محمد الباقری و نورعلی الوری و محمد المیرزائی، قم: دار الفکر، ۱۴۲۳ق.
- یزدی، سید محمد کاظم، حاشیۃ المکاسب، قم: مؤسسہ اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
- Dussaud, R. , Histoire et religion des NosairĪs, Paris, Librairie Emile Bouillon, 1900.
- Friedman, Yaron, The NuṣayrĪ-ĀlawĪs: An Introduction to the Religion, History and Identity of the Leading Minority in Syria, Leiden & Boston, Brill, 2010.